

از این دو ناحیه باز بهمین ترتیب بود. مثلاً در چین شمالی، نیروهای ژاپن در طول سه خط راه آهن تیانزین - پوکو، بی پین - حان کو، داتون - پو جو بطور مساوی پخش شده بودند؛ دشمن در طول هر يك از این خطوط تلفاتی متحمل شد و پادگانهائی در سرزمینهای اشغالی باقی گذاشت، بطوریکه دیگر برای ادامه پیشروی قوای کافی در اختیار نداشت. دشمن با درس گرفتن از شکست تایلجوان قوای عمده خود را در جهت سیو جو متمرکز کرد و بدینسان این اشتباه را موقتاً اصلاح نمود.

سوم، فقدان همسوئی استراتژیک: در چین مرکزی و چینی شمالی، در داخل هر يك از این دو بخش نیروهای ژاپن تا حدودی همسوئی وجود داشت، لیکن خود آندو بخش با یکدیگر اصلاً همسوئی نداشتند. وقتیکه واحدهای ژاپن در بخش جنوبی خط راه آهن تیانزین پوکو به سیائو بان فو حمله ور گردیدند، واحدهائی که در بخش شمالی همین خط قرار داشتند، کوچکترین فعالیتی از خود نشان ندادند و همچنین هنگامیکه این واحدها تایلجوان را مورد حمله قرار دادند واحدهای مستقر در بخش جنوبی این خط بیحرکت ماندند. بعد آنکه دشمن در هر دو سمت با شکستهای سختی روبرو گردید، وزیر جنگ ژاپن برای بازرسی به چین شتافت، و رئیس ستاد کل ارتش ژاپن شخصاً فرماندهی عملیات را بعهده گرفت؛ میتوان گفت که از آن پس برای مدتی تا حدودی همسوئی بوجود آمده است. در صفوف مالکک ارضی، بورژوازی و میلیتاریستهای ژاپن تضادهای فوق العاده جدی وجود دارد که روز بروز شدیدتر میشود و فقدان همسوئی در عملیات یکی از مظاهر مشخص این تضادها است.

چهارم ، از دست دادن فرصتهای مساعد استراتژیک : نمونه بارز این اشتباه آنستکه دشمن بطور عمده بعلت کمبود نیروی نظامی و فقدان قوای تعقیبی استراتژیک بعد از اشغال نانکن و تای یوان متوقف گردید .

پنجم ، محاصره زیاد و نابودی کم : قبل از نبرد تایلیجوان ، در جریان نبردهای شانگهای ، نانکن ، تسان جو ، بانو دین ، نان کو ، سین کو و لین فن بسیاری از واحدهای ما منکوب گردیدند ، لیکن تعداد خیلی کمی از سربازان ما اسیر شدند . این امر نشانه حماقت فرماندهی ژاپن است .

این اشتباهات پنجگانه - افزایش تدریجی قوا ، فقدان سمت عمده حمله ، فقدان همسوئی استراتژیک ، از دست دادن فرصتهای مساعد ، محاصره زیاد و نابودی کم - حاکی از عدم لیاقت فرماندهی ژاپن در دوران قبل از نبرد تایلیجوان است . البته دشمن بعد از نبرد مذکور وضع رهبری نظامی خود را تا حدی بهبود بخشیده است ، لیکن بعلت کمبود نیروی نظامی ، تضادهای داخلی و عوامل مشابه دیگر احتراز از تکرار اشتباهات برای دشمن غیر محتمل است . بعلاوه دشمن در یکجا موفق میشود ، در جای دیگر با شکست روبرو میگردد . مثلاً ژاپن با تمرکز دادن قوای خود در سیو جو که در شمال چین مستقر بود ، خلاء بزرگی در اراضی اشغالی ژاپن در این منطقه بوجود آورد و بما امکان داد جنگ پارتیزانی را در آنجا بی پروا گسترش دهیم . آنچه تا کنون گفته شد ، مربوط باشباهاتی است که خود دشمن مرتکب شده است ، نه اینکه ما او را وادار بارتکاب آن کرده باشیم . معدنک ما نیز سهم خود میتوانیم دشمن را عمداً به ارتکاب اشتباهات واداریم ، یعنی بوسیله اقدامات معقول و مؤثر و با پشتیبانی توده‌های متشکل میتوانیم در دشمن تصور

غلط ایجاد نمائیم و وی را به ماتوره‌های مورد نظر خودمان مجبور سازیم مثلاً تظاهر بماتور در شرق ولی حمله در غرب ؛ این امکان در بالا گفته شد تمام اینها نشان میدهند که ما حتی در امر فرماندهی دشمن نیز میتوانیم امکانات معینی برای پیروزی خود پیدا کنیم . معذک هرگز نباید این امکانات را بعنوان پایه سهمی برای نقشه‌های استراتژیک خود تلقی نمائیم ، بلکه برعکس اگر ما نقشه‌هایمان را براساس حد اقل اشتباه دشمن تدوین کنیم پیروزی ما مطمئنتر خواهد بود . علاوه بر این همانطور که ما میتوانیم اشتباهات دشمن بهره‌برداری کنیم ، او نیز میتواند از اشتباهات ما استفاده کند . از اینرو وظیفه فرماندهی ما آنستکه حتی الامکان کمتر مرتکب اشتباهات شود که دشمن بتواند از آنها استفاده نماید . ولی در واقع فرماندهی دشمن گذشته اشتباهاتی داشته و در آینده نیز خواهد داشت ، و با کوشش ما میتوانیم دشمن با اشتباهات دیگری هم وادار شود ؛ تمام این اشتباهات میشود از طرف ما مورد استفاده قرار گیرند . فرماندهان ما در جنگ مقاومت ضد ژاپنی با کوشند از این اشتباهات بحد اکثر بهره‌برداری نمایند . فرماندهی دشمن عرصه استراتژیک و عملیات اهراتیو کمتر از خود شایستگی نشان داده است ولی برعکس در پیشبرد نبردها ، یعنی در فرماندهی تاکتیکی واحدها فرماسیونهای کوچک ، چیزهای آموزنده زیادی وجود دارد که باید از یاد بگیریم .

مسئله نبردهای تعیین کننده در جنگ مقاومت ضد ژاپنی

۱۰۶ - نبردهای تعیین کننده در جنگ مقاومت ضد ژاپنی را باید به سه نوع تقسیم کرد ؛ ما باید در هر عملیات اهراتیو و تاکتیکی که

پیروزی خود اطمینان داریم ، قاطعانه به نبرد تعیین کننده دست بزنیم ؛ ما باید در عملیات اپراتیو و تاکتیکی ای که به پیروزی خود اطمینان نداریم ، از نبرد تعیین کننده احتراز جوئیم ؛ ما باید از نبردهای تعیین کننده استراتژیکی که با سرنوشت کشور بازی میکنند ، قطعاً اجتناب ورزیم . خصوصیات که جنگ مقاومت ضد ژاپنی را از جنگهای دیگر متمایز میسازد ، در این مسئله نیز نمودار میشود . در مرحله اول و دوم جنگ که دشمن قوی است و ما ضعیفیم ، دشمن میل دارد که ما نیروی عمده خود را متمرکز سازیم و در نبردهای تعیین کننده با وی درگیر شویم . ولی برعکس ما باید در پی شرایط مساعد باشیم ، نیروهای برتر را متمرکز سازیم ، و فقط زمانی که بموقعیت خود اطمینان داریم به عملیات اپراتیو و تاکتیکی تعیین کننده دست بزنیم ، بعنوان مثال میتوان نبرد پین سین گوان ، تایلجوان و نبردهای متعدد دیگر را ذکر کرد ؛ ما باید از نبردهای تعیین کننده در مواردیکه شرایط برای ما مساعد نیست و ما به پیروزی خود اطمینان نداریم ، خودداری کنیم ، این همان اصلی است که ما در عملیات اپراتیو در جان ده و نقاط دیگر بکار بردیم . اما درباره نبردهای تعیین کننده استراتژیکی در جایی که با سرنوشت کشور بازی میشود ، باید آنها در بست رد نمود ، همان کاری که ما اخیراً با تخلیه سیو جو کردیم . بدین طریق ما نقشه دشمن را که بر اساس جنگ "زودفرجام" تنظیم شده بود ، برهم زدیم و در نتیجه وی مجبور گردید که با ما در جنگ طولانی درگیر شود . اجرای این اصل در کشورهای کوچک ممکن نیست ، و در کشورهایی که از لحاظ سیاسی خیلی عقب مانده اند ، نیز مشکل است . لیکن چین کشوریست وسیع که دوران ترقی و تعالی را میگذراند و انجام این وظیفه از عهده اش خارج نیست . وقتیکه ما از نبرد تعیین کننده استراتژیکی احتراز میکنیم ، همانطور که میگویند : " هر

جا جنگل هست ، چوب هم هست “ ؛ گرچه قسمتی از اراضی خود را ناگزیر از دست می‌دهیم ، برای ما سرزمینهای وسیعی جهت مانور کردن باقی خواهند ماند ، و ما خواهیم توانست تکامل و پیشرفتهای داخلی ، افزایش کمک بین‌المللی و تحقق تجزیه داخل اردوگاه دشمن را تسریع کنیم و در انتظار آن بنشینیم . این بهترین نقشه جنگ مقاومت ضد ژاپنی است . طرفداران عجول تئوری پیروزی سریع قادر به تحمل راه پرزحمت جنگ طولانی نیستند و آرزوی پیروزی سریع را در سر می‌پرورانند ، و هر وقت که اوضاع کمی بهبود می‌یابد ، درباره جنگ تعیین‌کننده استراتژیک جار و جنجال پراه می‌اندازند ؛ اگر ما به نسخه تجویزی آنها عمل کنیم ، زیان بزرگی به تمام جنگ مقاومت وارد خواهد آمد و آنوقت جنگ طولانی ناکام می‌گردد و ما درست در دام شومی که دشمن برایمان گسترده است ، گرفتار خواهیم شد . این واقعاً بدترین نقشه است . شکی نیست که وقتی ما نبرد تعیین‌کننده را رد می‌کنیم ، مجبوریم سرزمینهایی را از دست بدهیم ، و در مواردیکه اینکار ناگزیر است (و فقط در این موارد) باید آنرا با جسارت انجام دهیم . ما در چنین موقعی يك ذره هم نباید تأسف بخوریم زیرا که ” بدست آوردن وقت به قیمت زمین “ سیاست صحیحی است . تاریخ بما می‌آموزد که روسیه برای احتراز از نبرد تعیین‌کننده جسورانه عقب‌نشینی کرد و ناپلئون را که شهرتش جهانگیر شده بود ، شکست داد (۲۲) . امروز چین نیز باید به همین نحو عمل کند .

۱.۷ — آیا ما از اتهام ” خودداری از مقاومت “ نمی‌ترسیم ؟ خیر ، ما نمی‌ترسیم . اصلاً نجنبیدن و سازش کردن با دشمن البته بمعنای خودداری از مقاومت است و نه تنها سزاوار این اتهام است بلکه اصولاً غیرمجاز است . ما باید جنگ مقاومت را با قطعیت دنبال کنیم ، لیکن برای اینکه از دام

سهلکی که دشمن در سر راه ما گسترده ، احتراز بجوئیم و قوای عمده ارتش خود را از زیر ضربت دشمن که ادامه جنگ مقاومت را غیر ممکن خواهد ساخت ، خارج سازیم ، یعنی در يك کلام ، برای جلوگیری از انقیاد ملی خودداری از نبرد تعیین کننده استراتژیک کاملاً ضرور است . هر گونه تردیدی در این زمینه نشانه کوتاه بینی در مسئله جنگ است و مآلاً انسان را بجمع طرفداران تئوری انقیاد ملی میکشاند . ما در فوق تئوری " خود را باب و آتش زدن " را که " پیشروی دائم بدون هیچگونه عقب نشینی " مظهر آن میباشد ، مورد انتقاد قرار دادیم ، درست باین دلیل که اگر این تئوری تعمیم مییافت ، ادامه جنگ مقاومت غیر ممکن میگردد و بالاخره چین در معرض خطر انقیاد قرار میگرفت .

۱۰۸ - اعم از اینکه صحبت از عملیات تاکتیکی یا عملیات اهراتیو بزرگ و کوچک باشد ، هر موقعیکه شرایط را مساعد بینیم ، باید با نبردهای تعیین کننده موافقت کنیم ؛ پاسیویته در این زمینه بهیچوجه مجاز نیست . تنها از طریق اینگونه نبردهای تعیین کننده است که ما میتوانیم بهدفع خود که نابودی و تحلیل قوای دشمن است ، نایل آئیم ؛ هر رزمنده ضد ژاپنی در این زمینه باید نقش خود را بطور قاطع ایفا کند . این امر مستلزم فداکاریهای جزئی و ضمناً قابل ملاحظه هم میباشد ؛ آنهایی که تصور میکنند باید از زیر هرگونه فداکاری شانه خالی کرد ، جیونند و به بیماری ترس از ژاپنیهها دچارند ؛ علیه این گرایش باید قاطعانه مبارزه شود . مجازات اعدام برای فرارطلبانی نظیر لی فو بین و حان فوجیو عادلانه بود . در چارچوب نقشه های صحیح جنگی تشویق هر عمل جسورانه ، دلاوریها و جانبازیهای قهرمانانه در جنگ مطلقاً ضرور است و بدون آن نه جنگ طولانی وجود خواهد داشت و نه پیروزی نهائی . ما فرارطلبی را که در " عقب نشینی دائم

بدون هیچگونه پیشروی " بیان می‌یابد ، با شدت محکوم کرده‌ایم و انضباط آهنین را تأیید نموده‌ایم ، زیرا که يك دشمن نیرومند را فقط از طریق نبردهای تعیین کننده قهرمانانه در چارچوب نقشه درست میتوان منکوب کرد ؛ ولی فرارطلبی بعکس پشتیبان مستقیم تئوری اتقیاد ملی است .

۱۰۹ - آیا بین اینکه باید ابتدا به نبرد قهرمانانه دست زد و سپس سرزمینهای را تسلیم کرد ، تضاد وجود ندارد ؟ آیا در آنصورت رزمندگان قهرمان ما خون خود را بهدر نخواهند داد ؟ اصولاً طرح این قبیل سئوالات نادرست است . آیا غذا خوردن باین بهانه که بعداً دفع میکنیم کار بیهوده‌ای نیست ؟ آیا خوابیدن باین بهانه که بعداً از خواب برمیخیزیم ، کار عبثی نیست ؟ آیا میتوان سئوالات را باین شکل مطرح کرد ؟ بنظر من نه . دائماً غذا خوردن ، خوابیدن ، تا ساحل رودخانه یا لوبدون لحظه‌ای توقف قهرمانانه جنگیدن - همه اینها تصورات ذهنی و فرمالیستی هستند و هیچگونه ارتباطی با زندگی واقعی ندارند . همانطور که همه میدانند ، در نبردهای خونین گرچه ما بمنظور بدست آوردن وقت و تدارك تعرض متقابل بخشی از سرزمینهای خود را از دست دادیم ، معذلك امکان یافتیم که وقت بدست آوریم و بهدفع خود - نابودی و تحلیل نیروهای دشمن - دست یابیم ، از نبردها تجربه بیاندوزیم ، آن بخش از توده‌هایی را که در جنگ فعال نبودند ، برانگیزیم و بر اعتبار بین‌المللی خود بیافزائیم . در چنین شرایطی آیا این خونها بیهوده ریخته شده‌اند ؟ بهیچوجه . رها کردن یک بخش سرزمین بخاطر حفظ قوای نظامی و درست هم برای حفظ خود سرزمین است ، زیرا اگر ما در شرایط نامساعد قسمتی از اراضی ما را تسلیم نکنیم و بدون ملاحظه يك نبرد تعیین کننده که بموقعیت آن اطمینان نداریم مبادرت ورزیم ، پس از ائتلاف نیرو ، تمام سرزمینهای خود را نیز از دست خواهیم داد ، و بطریق

اولی نخواهیم توانست اراضی از دست رفته را پس بگیریم . هر سرمایه‌داری برای انجام معاملات خود احتیاج بسرمایه دارد ، ولی وقتیکه کاملاً ورشکست شد ، دیگر سرمایه‌دار نخواهد بود . هر قماربازی برای بازی احتیاج به پول دارد ، ولی اگر تمام پولهای خود را روی يك کارت بگذارد و شانس به وی یاری نکند ، آنوقت برای ادامه بازی دیگر چیزی نخواهد داشت . رویدادها در مسیر مستقیم و هموار جریان نمی‌یابند ، بلکه راه پرپیچ و خمی را می‌پویند . این حقیقت درباره جنگ نیز صادق است ، تنها فرمالیستها هستند که این حقیقت را درك نمیکنند .

۱۱۰ - بنظر من آنچه که در بالا بیان شد ، درباره نبرد تعیین‌کننده در مرحله تعرض متقابل استراتژیک نیز صادق است . البته در این مرحله دشمن در حالت قروتري قرار خواهد داشت و ما در حالت پرتري ، لیکن اصل "توسل به عملیات تعیین‌کننده در شرایط مساعد و احتراز از آن در شرایط نامساعد" ، تا وقتیکه نبردها ما را بساحل رودخانه یالو برسانند ، کماکان معتبر خواهد بود . بدین ترتیب ما خواهیم توانست ابتکار عمل را همواره در دست خود نگهداریم ، ما نباید به "رجزخوانی‌های" دشمن و "تمسخر" دیگران وقعی بگذاریم و آنها را جدی بگیریم بلکه باید در این مورد از خود بی‌تفاوتی نشان دهیم . تنها فرماندهانی که در جنگ مقاومت ضد ژاپنی چنین استواری از خود نشان دهند ، میتوانند فرماندهان جسور و خردمند تلقی گردند . افرادی که چون باروت "با يك جرعه بترکند" شایسته چنین صفتی نیستند . گرچه ما در مرحله اول از نظر استراتژیک کم و بیش به پاسیویته گرفتار شده‌ایم ، معذک باید ابتکار عمل را در عملیات اپراتیو همواره بلست بگیریم ، در آینده نیز ما باید در هر مرحله‌ای ابتکار عمل را در دست خود حفظ کنیم . ما طرفدار جنگ طولانی هستیم و به پیروزی نهائی

خود یقین داریم ؛ ما از آنگونه قماربازانی نیستیم که تمام دارائی خود را روی يك كارت میگذارند .

ارتش و خلق پایه و اساس پیروزی هستند

۱۱۱ - امپریالیسم ژاپن از هیچ کوششی در تجاوز و سرکوب چین انقلابی فروگذار نخواهد کرد ؛ این از خصالت امپریالیستی ژاپن ناشی میشود . اگر چین مقاومت نمیکرد ، ژاپن براحتی حتی بدون خالی کردن يك تیر تمام آنها اشغال مینمود ، همانطور که چهار استان شمال شرقی را اشغال نمود . اگر چین از خود مقاومت نشان دهد ، ژاپن تلاش خواهد کرد این مقاومت را درهم شکند ، و این تلاش تا وقتی ادامه خواهد یافت که بالاخر نیروی مقاومت چین بر نیروی سرکوب ژاپن تفوق یابد . این قانونی است تخطی ناپذیر . طبقه مالکان ارضی و بورژوازی ژاپن سودای استیلاجویانه در سر پرورانده‌اند و برای حمله به مجمع‌الجزایر مالزی در جنوب و حمله به سیبری در شمال ، رهنمود ایجاد شکافی در وسط را اتخاذ کرده و اولین ضربه را متوجه چین ساخته‌اند . کسانی که تصور میکنند ژاپن با اشغال شمال چین و جیان سو و جه جیان اکتفا خواهد نمود و همانجا توقف خواهد کرد ، اصلاً درك نمیکنند که امپریالیسم ژاپن که بمرحله جدیدی از تکامل وارد گردیده و در لبه پرتگاه نابودی قرار گرفته است ، دیگر ژاپن سابق نیست . وقتی که ما میگوئیم تعداد سربازانی که ژاپن بمیدان جنگ اعزام میدارد ، و دامنه پیشرویش محدود است ، منظورمان اینست که ژاپن فقط میتواند بخشی از نیروهای را که در اختیار دارد ، به چین اعزام کند و فقط میتواند تا آنجائی پیشروی کند که قدرتش اجازه میدهد زیرا که خود را برای حمله در

جبهات دیگر و دفاع در مقابل دشمنان دیگر آماده میکند ؛ در عین حال چین نشان داده است که در راه ترقی گام برمیدارد و قادر است در مقابل تعرض سرسختانه مقاومت کند ؛ قابل تصور نیست که حملات سخت ژاپن با مقاومت لازم چین روبرو نشود . ژاپن نخواهد توانست تمام چین را اشغال کند ، لیکن در تمام مناطقی که بتواند نفوذ کند ، از هیچ کوششی برای سرکوبی مقاومت چین ابا نخواهد نمود و تا زمانیکه در اثر شرایط داخلی و بین‌المللی با بحران مستقیمی مواجه نگرددیده که امپریالیسم ژاپن را بگورستان بفرستد ، از اینکار دست نخواهد کشید . اوضاع سیاسی داخلی ژاپن فقط از یکی از دو طریق ممکن زیرین میتواند تکامل یابد ؛ یا اینکه کلیه طبقات حاکمه بزودی سرنگون گردند و قدرت سیاسی بدست خلق افتد و در نتیجه جنگ پایان برسد — ولی چنین امکانی فعلاً موجود نیست ؛ و یا اینکه طبقه مالکان ارضی و بورژوازی هر روز بیشتر در منجلاب فاشیسم فرو روند و جنگ را تا اضمحلال خود ادامه دهند ؛ ژاپن فعلاً همین راه را برگزیده است . راه سومی وجود ندارد . کسی که گمان میکند محافل معتدل بورژوازی ژاپن برای پایان دادن به جنگ وارد عمل خواهند شد ، فقط خیال خام در سر می‌پروراند . در ژاپن محافل معتدل بورژوازی دیگر بصورت اسیر مالکان ارضی سرمایه داران اولیگارشسی مالی در آمده‌اند ؛ سالیان دراز است که اوضاع سیاسی واقعی ژاپن بر این منوال میچرخد . اینک که ژاپن جنگ را علیه چین آغاز نموده ، تا زمانیکه با ضربه مهلک مقاومت چین مواجه نگشته و هنوز نیروی کافی در اختیار داشته باشد ، مسلماً خواهد کوشید به مجمع‌الجزایر مالزی یا سبیری و چه بسا به هر دو حمله نماید . و بمجرد اینکه جنگ در اروپا درگیرد ، ژاپن بانجام این نقشه‌ها مبادرت خواهد نمود ؛ هوسهای آزمندانه زمامداران ژاپن بی‌اندازه بال و پر گرفته است . البته امکان دیگری نیز وجود دارد

که بر اثر قدرت اتحاد شوروی و تضعیف فوق‌العاده ژاپن در جنگ علیه چین ، ژاپن مجبور شود از نقشه اولیه خود دایر بر حمله به سبیری صرفنظر نماید و در مقابل اتحاد شوروی موضع کاملاً دفاعی اتخاذ کند . معذله پیدایش چنین وضعی از شدت تعرض ژاپن علیه چین نخواهد کاست ، بلکه برعکس آنرا تشدید خواهد نمود ، زیرا که در این حالت برای ژاپن راهی جز بلعیدن يك کشور ضعیف باقی نخواهد ماند . در چنین صورتی پایداری چین در جنگ مقاومت ، در جبهه متحد و در جنگ طولانی بیش از پیش بيك وظیفه جدی مبدل خواهد شد ، بطوریکه هیچگونه تعللی در این امر دیگر مجاز نخواهد بود .

۱۱۲ - در چنین حالتی شرط عمده پیروزی چین بر ژاپن عبارتست از وحدت تمام ملت و ترقی همه‌جانبه بسرعت ده یا حتی صد برابر سابق چین یکدوران ترقی و تعالی را میگذراند و هم اکنون بوحدت بزرگی رسیده است ، لیکن این ترقی و وحدت هنوز از حد کفایت فرسنگها بدور است اینکه ژاپن توانسته است سرزمینهای چین وسیعی را اشغال کند ، نه تنها بعلت نیرومندی او است بلکه بعلت ناتوانی چین نیز هست ؛ اما این ناتوانی زائیده انواع اشتباهات گذشته‌ایستکه از صد سال پیش وبخصوص در ظرف دهسال اخیر روی هم انباشته گردیده و پیشرفت چین را در سطح امروزی متوقف ساخته‌اند . اکنون ما نمیتوانیم چنین دشمن نیرومندی را بدون کوشش پردامنه و مداوم منکوب سازیم . وظایفی که حل آنها مستلزم کوشش ماست ، زیادند ، در اینجا من فقط بدو جنبه اساسی موضوع اشاره میکنم : ترقی ارتش و خلق .

۱۱۳ - اصلاح سیستم نظامی محتاج مدرنیزه کردن ارتش یعنی بهبود تجهیزات آنست ، والا راندن دشمن به ماوراء رودخانه یالو غیر ممکن

خواهد شد. در بکار انداختن ارتش باید استراتژی و تاکتیک مترقی و نرمش پذیر بکار برد، و گرنه تأمین پیروزی بازهم غیر مقدور خواهد شد. مع الوصف پایه ارتش سرباز است، بدون تلقیح روح سیاسی مترقی به سربازان، بدون کار سیاسی مترقی جهت انجام این وظیفه، نمیتوان بین افسران و سربازان وحدت واقعی ایجاد نمود، احساساتشان را برای جنگ مقاومت کاملاً برانگیخت و پایه محکمی برای استفاده ثمربخش از تمام وسایل تکنیکی و تاکتیکها فراهم ساخت. وقتیکه ما میگوئیم ارتش ژاپن علیرغم تفوق تکنیکی سرانجام شکست خواهد خورد، منظورمان اینستکه ضربات ما در جریان عملیات نابودکننده و فرساینده، نه تنها بر دشمن تلفات وارد خواهند ساخت، بلکه مآلاً روحیه ارتش دشمن را که اسلحه‌اش در دست سربازانی بری از هر گونه آگاهی سیاسی است، نیز متزلزل خواهند کرد. در طرف ما جریان برعکس است: افسران و سربازان در جنگ مقاومت ضد ژاپنی دارای هدف سیاسی مشترک‌اند. بنابراین ما برای کار سیاسی در میان تمام ارتشهای ضد ژاپنی پایه‌ای در دست داریم. دموکراسی در ارتش باید بطور عمده با لغو تنبیهات بدنی و فحاشی که عملی فتودالی است، و همچنین با شرکت دادن افسران و سربازان در غم و شادی یکدیگر، تاحد معینی عملی گردد. بدین ترتیب بین سربازان و افسران وحدت برقرار خواهد شد، قدرت پیکار ارتش فوق‌العاده بالا خواهد رفت و دیگر شکی در اینکه ما قادر به تحمل این جنگ طولانی و سخت هستیم، در میان نخواهد بود.

۱۱۴ - غنی‌ترین سرچشمه نیروهای بزرگ جنگ در میان توده‌های مردم نهفته است. بطور عمده بعلت عدم تشکل خلق چین است که ژاپن جرأت یافته ما را مورد اهانت قرار دهد. اگر این تقیصه بر طرف گردد، تجاوزکاران ژاپنی، چون گاو کوهی مست که بمیان شعله‌های آتش میدود،

تحت محاصره صدها میلیون مردمی که بپا خاسته‌اند در میانند و با یک نهیب فریاد آنها لرزه بر اندامشان افتاده در آتش مرگ میسوزند. ارتشهای چین باید برای ترمیم قوای خود دارای منابع لایزال باشند. سیستم سربازگیری که اکنون در درجات پائین از طریق جبر و زور و خرید جانشین (۲۴) مرسوم است، باید فوراً ممنوع شود و بسیج سیاسی وسیع و پرشور جایگزین آن گردد و آنوقت است که احضار میلیونها سرباز بزر پرچم بسیار آسان خواهد شد. در جریان جنگ مقاومت ضد ژاپنی ما با اشکالات مالی بزرگی مواجه هستیم، لیکن پس از بسیج توده‌ها مسئله مالی دیگر مشکلی نخواهد بود. آیا دلیلی هست که کشوری با چنین سرزمین وسیع و چنین جمعیت کثیر در مضیقه مالی باشد؟ ارتش باید با خلق جوش بخورد تا آنکه خلق آنرا ارتش خود بداند. چنین ارتشی شکست‌ناپذیر خواهد شد و قدرتی امپریالیستی نظیر ژاپن قادر بمقابله با وی نخواهد بود.

۱۱۵ - خیلی‌ها تصور میکنند مناسبات بین افسران و سربازان ارتش و خلق از اینجهت تاکنون بهبود نیافته که شیوه‌های نادرستی بکار میرفته‌است، ولی من همیشه بآنها گفته‌ام که این مسئله‌ایست مربوط به برخورد اساسی (یا اصل اساسی)، یعنی مسئله احترام نهادن به سربازان و خلق. و درست از همین برخورد است که رهنمودهای سیاسی، شیوه‌ها و اشکال خاصی ناشی میشوند. بدون چنین برخوردی، رهنمودهای سیاسی تمام شیوه‌ها و اشکال بدون تردید نادرست از آب در می‌آیند و بهبود مناسبات بین افسران و سربازان، ارتش و خلق بهیچوجه مقدور نخواهد شد. سه اصل اساسی برای کار سیاسی در ارتش عبارتند از: اولاً وحدت افسران و سربازان ثانیاً وحدت بین ارتش و خلق و ثالثاً متلاشی ساختن ارتش دشمن. براتفاق تحقق مؤثر این اصول باید از یک برخورد اساسی شروع نمود، یعنی

احترام نهادن به سربازان ، به خلق ، به شخصیت اسرائیلی که اسلحه خود را زمین گذاشته‌اند . کسانی که تصور میکنند اینها همه موضوعات فنی هستند و در اینجا مسئله برخورد اساسی مطرح نیست ، واقعاً در اشتباهند و باید نظر خود را اصلاح کنند .

۱۱۶ - اکنون که دفاع از اوهان و نقاط دیگر بیک وظیفه مبرم بدل گردیده است ، مهمترین وظیفه ما آنستکه تمام ارتش و تمام خلق را برای پشتیبانی از جنگ کاملاً به حرکت در آوریم . بدون تردید ما باید مسئله دفاع از اوهان و نقاط دیگر را بطور جدی مطرح نمائیم و در این مورد بطور جدی بکار پردازیم . ولی این مسئله که ما بالاخره بدفاع از آنها موفق خواهیم شد یا نه ، باراده ذهنی ما مربوط نیست بلکه وابسته به شرایط مشخص است . بسیج سیاسی تمام ارتش و تمام خلق برای مبارزه یکی از مهمترین شرایط مشخص است . اگر ما برای تأمین تمام این شرایط ضرور نکوشیم ، یا حتی اگر یکی از این شرایط ضرور تأمین نشود ، وقایعی نظیر سقوط نانکن و نقاط دیگر مسلماً تکرار خواهد شد . مادرید چین کجا خواهد بود ؟ همانجائی که شرایط مادرید در آنجا گرد آمده باشند . ما تاکنون بیک مادرید هم نداشته‌ایم ، لیکن از هم اکنون باید سعی کنیم چند مادرید ایجاد کنیم . تحقق چنین امری البته کاملاً وابسته بشروطی است که اساسی‌ترین آنها بسیج وسیع سیاسی تمام ارتش و تمام خلق است .

۱۱۷ - ما باید در جریان تمام فعالیتهای خود ، روی رهنمود عمومی - جنبه متحد ملی ضد ژاپنی ایستادگی کنیم ، زیرا تنها از طریق این رهنمود است که ما میتوانیم در جنگ مقاومت و جنگ طولانی پایداری نمائیم ، مناسبات بین افسران و سربازان ، ارتش و خلق را بطور وسیع و عمیق بهبود بخشیم ، فعالیت تمام ارتش و تمام خلق را برای حفظ مناطق اشغال نشده

و استرداد مناطق از دست رفته کاملاً برانگیزیم ، و بالاخره پیروزی نهائی را بدست آوریم .

۱۱۸ - مسئله بسیج سیاسی ارتش و خلق واقعاً دارای اهمیت فوق العاده بزرگی است . ما این مسئله را مکرر در مکرر مطرح ساخته ایم زیرا که تأمین پیروزی واقعاً بدون حل این مسئله غیر ممکن است . البته بدون يك سری شرایط لازم دیگر نیز تأمین پیروزی ممکن نخواهد بود ، لیکن بسیج سیاسی اساسی ترین شرط پیروزی است . جبهه متحد ملی ضد ژاپنی ، جبهه متحد تمام ارتش و تمام خلق است ، و بهیچوجه جبهه متحد کمیته های مرکزی و یا اعضای چند حزب سیاسی نیست ؛ هدف اساسی تشکیل این جبهه متحد ملی ضد ژاپنی بسیج تمام ارتش و تمام خلق برای پیوستن بانست .

نتیجه گیری ها

۱۱۹ - نتایجی که از این بحث بدست می آیند از چه قرارند ؟ آنها از این قرارند :

”چین تحت چه شروطی میتواند قوای امپریالیسم ژاپن را مغلوب و نابود سازد ؟ سه شرط لازم است : اولاً ، ایجاد يك جبهه متحد ضد ژاپنی در چین ؛ ثانیاً ، تشکیل يك جبهه متحد بین المللی علیه ژاپن ؛ ثالثاً ، اعتلای نهضت انقلابی خلق ژاپن و خلقهای مستعمرات ژاپن . از نظر خلق چین ، در میان این سه شرط وحدت بزرگ خود خلق چین عمده ترین شرط است .“

”این جنگ تا چند وقت دیگر طول خواهد کشید ؟ این به قدرت جبهه متحد ضد ژاپنی در چین و بيك سلسله عواملی تعیین کننده

دیگر در چین و ژاپن مربوط است .
 "اگر این شروط بزودی تحقق نیابند ، جنگ طولانی خواهد شد ، ولی نتیجه در هر حال یکی خواهد بود : ژاپن بطور حتم مغلوب و چین بطور حتم پیروز میشود . فقط تلفات زیاد خواهد شد و ما دوران پردرد و رنجی را خواهیم گذراند ."

"رهنمود استراتژیک ما باید بکار انداختن قوای عمده خود برای عملیات در جبهه‌ای وسیع و متحرك باشد . ارتش چین برای اینکه بتواند پیروز گردد ، باید در میدانهای وسیع جنگ به نبردهای فوق‌العاده متحرك دست زند ."

" ما باید علاوه بر استفاده از واحدهای تعلیم دیده برای پیشبرد جنگ متحرك ، از میان دهقانان نیز به تشکیل تعداد زیادی واحد پارتیزانی اقدام کنیم ."

"چین در جریان جنگ موفق خواهد شد . . . تجهیزات قوای خود را بتدریج تقویت و بهبود بخشد . بدین ترتیب چین در اواخر جنگ قادر خواهد شد بعملیات موضعی روی آورد و مناطق اشغالی ژاپن را مورد حملات موضعی قرار دهد . از اینرو اقتصاد ژاپن در اثر فشار طولانی جنگ مقاومت چین فرو خواهد ریخت و روحیه ارتش ژاپن در اثر اصطکاکات نبردهای بیشمار متزلزل خواهد شد . لیکن در طرف چین ، نیروهای پنهان مقاومت که در حال رشدند ، دائماً رو می‌آیند و تعداد زیادی از توده‌های مردم انقلابی برای پیکار بخاطر آزادی خود پی در پی بسوی جبهه‌های جنگ میشتابند . مجموعه این عوامل و عوامل دیگر بما امکان میدهند که بر استحکامات و پایگاههای مناطق اشغالی ژاپن ضربات قطعی و کاری وارد سازیم و ارتش

متجاوز ژاپن را از خاک چین بیرون برانیم . ” (مصاحبه با ادگار اسنو ، ژوئیه سال ۱۹۳۶)

”بدین ترتیب در اوضاع سیاسی چین مرحله نوینی گشوده شده ، ... در مرحله کنونی وظیفه مرکزی ما عبارتست از بسیج تمام نیروها برای کسب پیروزی در جنگ مقاومت . “

”کلید پیروزی جنگ مقاومت در اینستکه جنگ مقاومتی را که آغاز گردیده ، بیک جنگ مقاومت همه جانبه تمام خلقی بدل کنیم . فقط از طریق این جنگ مقاومت است که پیروزی نهائی ممکن خواهد شد . “

”از آنجا که اکنون در جنگ مقاومت هنوز ضعفهای جدی موجود است ، ممکن است در جریان بعدی آن یکسری ناکامیها و عقب‌نشینی‌ها ، انشعابهای داخلی و خیانتها ، سازشهای موقتی و قسمی و امثال آن پدید آید . از اینجهت باید دریابیم که این جنگ جنگی طولانی و سخت خواهد بود . لیکن ما یقین داریم در سایه مجاهدتهای حزب ما و تمام خلق ، جنگ مقاومتی که اینک آغاز گردیده ، تمام موانع را مرتفع خواهد ساخت و به پیشرفت و تکامل خود ادامه خواهد داد . “ (قطعنامه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین درباره اوضاع کنونی و وظایف حزب ، اوت سال ۱۹۳۷)

اینها هستند نتایجی که از بحث خود گرفته‌ایم . هواداران تئوری انقیاد ملی ، در وجود دشمن یک نیروی مافوق طبیعه می‌بینند و ما چینیه‌ها در نظر آنها چون پرگاه بی‌ارزشیم ؛ طرفداران تئوری پیروزی سریع دشمن را پرگاه تصور میکنند و ما چینیه‌ها را دارای قدرت مافوق طبیعه میدانند . هر دوی این نظرات اشتباه‌اند . ما نظر دیگری داریم ؛ جنگ مقاومت ضد ژاپنی

يك جنگ طولانی خواهد بود و پیروزی نهائی نصیب چین خواهد شد . اینست نتیجه گیریهای ما .

۱۲. - سخنرانیهای من باینجا پایان مییابد . جنگ کبیر مقاومت ضد ژاپنی در حال رشد است و عده زیادی میخواهند که ترازنامه‌ای از تجارب حاصله تهیه شود تا برای تأمین پیروزی کامل مورد استفاده قرار گیرد . آنچه که من در اینجا مورد بررسی قرار دادم ، فقط از تجارب عام ده ماه اخیر بدست آمده است و در صورت تمایل میتوان آنها نوعی بیلان تلقی نمود . جنگ طولانی مسئله ایست شایان دقت عموم و بحث وسیع . من فقط خطوط عمده این مسئله را مطرح کردم و امیدوارم که شما رفقا آنها مورد بحث و بررسی قرار دهید و ملاحظات اصلاحی و تکمیلی خود را ابراز دارید .

یادداشتها

۱ - این تئوری انقیاد ملی مبین نظرات گومیندان بود . گومیندان نمیخواست در مقابل ژاپن مقاومت کند ، و تنها وقتی دست بمقاومت زد که بدان مجبور شد . دارودسته چانکایشک بعد از حادثه لو گو چیائو با بسی میلی در جنگ مقاومت ضد ژاپنی شرکت نمودند ، در حالیکه دارودسته وان جین وی نماینده طرفداران تئوری انقیاد ملی گردیدند و قصد داشتند در مقابل ژاپن تسلیم شوند و بالاخره هم تسلیم شدند . ولی این ایده درباره انقیاد ملی تنها در گومیندان وجود نداشت ، نفوذ آن در بین بعضی از قشرهای متوسط جامعه و حتی میان بعضی از عناصر عقب مانده زحمتکشان نیز احساس میگردید ، زیرا حکومت گومیندان حکومتی فاسد و ناتوان بود و متوالیاً در جنگ مقاومت ضد ژاپنی شکست میخورد ، در حالیکه ارتش ژاپن سریعاً پیش میرفت و حتی در اولین سال جنگ به حوالی اوهان نزدیک شده بود ؛ از اینرو بود که بدبینی عمیقی در بین بعضی از عناصر عقب مانده پیدا شد .

۲ - این نظرات در درون صفوف حزب کمونیست چین به چشم میخوردند . در

شش ماه اول جنگ مقاومت ضد ژاپنی گرایشی در حزب پیدا شد که به نیروهای دشمن کم بها میداد ؛ برخی از رفقا عقیده داشتند که دشمن با اولین ضربه شکست خواهد خورد . دلیل آن بهیچوجه این نبود که آنها فکر میکردند قوای ما فوقالعاده نیرومند است ، زیرا آنها بخوبی میدانستند که نیروی نظامی و نیروهای متشکل توده‌ای برهبری حزب کمونیست هنوز خیلی کوچک است ؛ آنها چنین استدلال میکردند که گومیندان در مقابل ژاپن بمقاومت پرداخته است . بتصور آنها گومیندان دارای قدرت فوقالعاده زیادی بود که باتفاق نیروهای حزب کمونیست میتواند ضربات مؤثری بر متجاوزین ژاپنی وارد سازد . آنها فقط يك طرف قضیه ، یعنی شرکت موقتی گومیندان را در جنگ میدیدند ، ولی طرف دیگر آنرا ، یعنی خصلت ارتجاعی و فساد گومیندان را فراموش میکردند . ارزیابی اشتباه‌آمیز آنها ناشی از همین نکته بود .

۳ - این نظر چانکایشک و دارودست‌اش بود . چانکایشک و گومیندان گرچه بمقاومت در برابر ژاپن مجبور شده بودند ، تمام امیدشانرا بکمک سریع از خارج بستند و به نیروی خود و بیش از آن به نیروی خلق اعتماد نداشتند .

۴ - تایلجوان شهر کوچکی است در جنوب استان شان دون . در مارس ۱۹۴۸ در منطقه تایلجوان نبردی بین ارتش چین و واحدهای متجاوز ژاپن در گرفت . ارتش ۴۰۰ هزار نفری چین بر قوای ژاپن که در حدود ۷۰-۸۰ هزار نفر بود ، پیروز گردید .

۵ - این نظر در یکی از سرمقاله‌های روزنامه « دا گون باتو » که در آنزمان ارگان «گروه علوم سیاسی» گومیندان بود ، مطرح شد . طرفداران این نظر که خود را بدست تصورات واهی سپرده بودند ، آرزو میکردند يك سلسله پیروزی‌های مشابه پیروزی در تایلجوان ، بتواند پیشروی قوای دشمن را متوقف سازد و از اینجهت احتیاجی به بسیج نیروهای توده‌ای برای يك جنگ طولانی نیست ، زیرا که چنین بسیجی امنیت طبقه آنها را در معرض مخاطره قرار میداد . در آنموقع تمام گومیندان در آرزوی چنین وضعی بود .

۶ - نهضت رفرمیستی سال ۱۸۹۸ بسرکردگی کان یو وی ، لیان چی چائو ، تن تسی تون و دیگران از منافع بورژوازی لیبرال و طبقه مالکان ارضی روشن‌بین نمایندگی میکرد و مورد پشتیبانی امپراطور گوان سیو قرار میگرفت ولی فاقد پایه توده‌ای بود . یوان شی کای که در آنزمان قوای مسلح در اختیار داشت ، اسرار رفرمیستها را نزد ملکه بیوه تسی سی که سرکرده سرسختها بود ، فاش کرد . در نتیجه ملکه بیوه تسی سی قدرت را مجدداً تصرف کرد و امپراطور گوان سیو را حبس کرد و تن تسی تون

و پنج نفر دیگر را بقتل رساند . بدین ترتیب این نهضت با شکست اسفناکی مواجه گردید .
 ۷ - در ۱۶ ژانویه ۱۹۳۸ کابینه ژاپن با انتشار اعلامیه‌ای سیاست خود را مبنی بر انقیاد چین بوسیله نیروی مسلح اعلام نمود . کابینه در عین حال تلاش میکرد با تهدید و فشار گومیندان را براه تسلیم بیاورد و اظهار کرد که " اگر دولت گومیندان به ترغیب جنگ مقاومت ادامه دهد ، " دولت ژاپن در چین حکومت دست‌نشانده جدیدی تشکیل خواهد داد و در مذاکرات آینده دیگر گومیندان را بعنوان " طرف " مذاکره برسمیت نخواهد شناخت .

۸ - در اینجا منظور بطور عمده ایالات متحده آمریکا است .

۹ - در اینجا منظور قدرت‌های امپریالیستی نظیر بریتانیا ، آمریکا و فرانسه است .
 ۱۰ - این پیش‌بینی رفیق مائو تسه دون درباره تغییر صعودی احتمالی چین در مرحله تعادل طی جنگ مقاومت ، در مناطق آزادشده که تحت رهبری حزب کمونیست چین قرار داشتند ، کاملاً تحقق یافت . لیکن چون هیئت حاکمه بسرکردگی چانگ‌کایشک در جنگ مقاومت بطور پاصیو شرکت میکرد و علیه حزب کمونیست و خلق بطور فعال مبارزه مینمود ، در مناطق تحت سلطه گومیندان بجای تغییر صعودی ، تغییر نزولی وجود داشت . این امر مقاومت توده‌های وسیع مردم را برانگیخت و آگاهی سیاسی آنانرا بالا برد .
 مراجعه شود به بررسی رفیق مائو تسه دون درباره این وضعیت در اثرش بعنوان « درباره دولت ائتلافی » .

۱۱ - طرفداران تئوری باصطلاح " اسلحه تعیین کننده سرنوشت همه چیز است " ، تصور میکردند که چین بعلت اینکه سلاحش از ژاپن بدتر است ، در جنگ حتماً شکست خواهد خورد . تمام سران دارودسته ارتجاعی گومیندان (منجمله چانگ‌کایشک) با این نظر موافق بودند .

۱۲ - در اینجا منظور از بودا شی‌جیامونی بانی مذهب بودائی است . سون او کون ، قهرمان رمان افسانه‌ای چین در قرن ۱۶ بنام « سی یو جی » (زیارت بمغرب) ، میمونی بود که قدرت داشت با يك معلق مسافتی بطول ۱۰۸ هزار لی را طی کند ولی وقتی روی کف دست بودا افتاد ، هر چه تلاش کرد نتوانست بگریزد و بالاتر از آن بودا کف دست خود را رو بزمین گرداند و انگشتان خویش را به پنج رشته کوه متصل بهم تبدیل و سون او کون را مدفون کرد .

۱۳ - در اوت سال ۱۹۳۵ در هفتمین کنگره جهانی کمیترن ، رفیق دی‌میتروف در نطق خود تحت عنوان « تعرض فاشیسم ووظایف انترناسیونال کمونیست » گفت :

- « فاشیسم ، شووینیسیم لجام گسیخته و جنگ راهزنانه است . » در ژوئیه سال ۱۹۳۷ ، رفیق دیمیتروف مقاله‌ای تحت عنوان « فاشیسم یعنی جنگ » منتشر ساخت .
- ۱۴ - مراجعه شود به نین « سوسیالیسم و جنگ » ، فصل اول و « ورشکست انترناسیونال دوم » ، قسمت سوم .
- ۱۵ - مراجعه شود به « سون زی » ، فصل سوم « استراتژی حمله » .
- ۱۶ - شهر چن پو در شهرستان پو سیان کنونی از استان پین یوان واقع بود . در سال ۶۳۲ قبل از میلاد در آنجا نبرد بزرگی بین ارتشهای چین و چو درگرفت . در ابتدا ارتش چو تفوق داشت . ارتش جین ۹۰ لی عقب نشست و سپس دو جناح راست و چپ ارتش چورا که نقاط ضعف آن بود ، هدف قرار داد و ضربات سختی بر این ارتش وارد ساخت و آنرا بسختی درهم شکست .
- ۱۷ - در سال ۲۰۴ قبل از میلاد ارتش حان تحت فرماندهی حان سین ، با ارتش جائو سیه در جین سین مصاف داد . ارتش جائو سیه که میگویند بالغ بر ۲۰۰ هزار نفر میشد ، چندین برابر ارتش حان بود . حان سین ارتش خود را در مقابل نهری مستقر ساخت و آنرا در نبرد قهرمانانه‌ای رهبری کرد ؛ وی در عین حال قسمتی از ارتش خود را به پشت جبهه ارتش جائو سیه که دفاع چندان خوبی نداشت ، فرستاد تا غفلتاً بر آنها حمله‌ور گردد . ارتش جائو سیه که بدین ترتیب در گزانببری گرفتار شده بود ، بسختی شکست خورد .
- ۱۸ - در اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ ناپلئون با انگلستان ، پروس ، اطریش ، روسیه و بسیار کشورهای اروپائی دیگر وارد جنگ گردید . در نبردهای زیادی ارتش ناپلئون با وجود آنکه از لحاظ تعداد نفرات از دشمن ضعیفتر بود ، بالاخره پیروز شد .
- ۱۹ - در سال ۳۸۳ فوجیان رئیس امارت چینگ که نیروهای دولت جین را ناچیز میشمرد ، بر آنها حمله کرد . ارتش جین پیشقراولان ارتش چینگ را در لوه جیان واقع در شهرستان شویان از استان ان هوی ، شکست داده و سپس از راه زمین ورودخانه به پیشروی ادامه داد . فوجیان بالای استحکامات شهر شویان رفت و بطرف دشمن نگرست و ارتش او را آماده به نبرد مشاهده نمود . سپس وقتیکه بسمت کوه باگون نگاه کرد ، درختها و بوته‌ها را بجای سربازان دشمن گرفت و بتصور اینکه دشمن نیرومندی در برابر دارد ، دچار وحشت گردید . مراجعه شود به « مسایل استراتژی در جنگ انقلابی چین » یادداشت ۳۱ ، « منتخب آثار ماتو تسه دون » ، جلد اول .
- ۲۰ - در سال ۱۹۲۷ چانکایشک و وان جین وی و شرکاء به اولین جبهه متحد

دموکراتیک ملی بین گومیندان و حزب کمونیست خیانت کردند و مدت ده سال به جنگ ضد خلقی پرداختند . این امر خلق چین را از تشکل وسیع محروم ساخت . مسئولیت این خطای گذشته بمعهده دارودسته ارتجاعی گومیندان بسرکردگی چانگکایشک است .

۲۱ - شاهزاده سیان در قرن هفتم قبل از میلاد در دوران " بهار و پائیز " در امارت سون حکومت میکرد . در سال ۶۳۸ قبل از میلاد امارت سون با امارت نیرومند چو بهجنگ پرداخت . ارتش سون آماده نبرد بود ، در حالیکه ارتش چو هنوز از رودخانه‌ای عبور مینمود . یکی از رجال سون با توجه به این که از لحاظ تعداد ارتش چو زیاد است و ارتش سون کم ، پیشنهاد کرد که از موقعیت مساعد استفاده شود ، یعنی موقعیکه هنوز ارتش مذکور از رودخانه نگذشته ، بر وی حمله شود . لیکن شاهزاده سیان گفت : " نه ، یک مرد آزاده دیگران را در وضع مشکل مورد حمله قرار نمیدهد . " وقتیکه واحدهای چو از رودخانه عبور کرده ولی هنوز آماده نبرد نشده بودند ، شخصیت مذکور پیشنهاد خود را تجدید نمود . ولی شاهزاده سیان باز جواب داد : " نه ، یک مرد آزاده ارتشی را که هنوز آماده نبرد نیست ، مورد حمله قرار نمیدهد . " فقط بعد از آنکه ارتش چو کاملاً خود را آماده نبرد نمود ، شاهزاده سیان فرمان حمله را صادر کرد . نتیجه این شد که امارت سون شکست فاحشی خورد و خود شاهزاده سیان نیز مجروح گردید . مراجعه شود به فصل " سال بیست و دوم سلطنت سی گون " کتاب « زوه جوان » .

۲۲ - در سال ۱۹۳۷ ارتش متجاوز ژاپن پس از تصرف بی پین و تیانزین در طول راه آهن تیانزین - پوکو بسمت جنوب سرانجام شد و استان شان دون را مورد حمله قرار داد ؛ حان فو جیو دیکتاتور نظامی گومیندان که سالیان دراز در این استان حکمرانی میکرد ، بدون کوچکترین مقاومتی به حه نان فرار نمود .

۲۳ - در سال ۱۸۱۲ ناپلئون با ارتشی مرکب از ۵۰۰ هزار نفر به روسیه حمله کرد . ارتش روس مسکو را آتش زده و از شهر خارج شد و ارتش ناپلئون را در معرض گرسنگی ، سرما و انواع محرومیت‌های غیر قابل تصور قرار داد ، خطوط ارتباطی ویرا با پشت جبهه قطع نمود ، و بالاخره قوای دشمن را محاصره کرده و آنرا به بن بست انداخت ، بنحویکه ناپلئون مجبور شد ارتش خود را عقب کشد . در این موقع ارتش روس با استفاده از موقعیت مساعد دست بتعرض متقابل زد و از تمام ارتش ناپلئون فقط در حدود ۲۰ هزار نفر توانستند خود را نجات دهند .

۲۴ - گومیندان صفوف ارتش خود را بدین نحو تکمیل میکرد : بهمه نقاط کشور نظامی و پلیس میفرستاد تا افرادی را دستگیر و با زور روانه سربازخانه نمایند .

دستگیرشدگان را تظیر زندانیان با طناب میبستند . کسانی که پول داشتند ، از راه رشوه دادن به مأمورین گومیندان افراد دیگر را که اجیر کرده ، بجای خود میفرستادند .

www.KetabFarsi.com

نقش حزب کمونیست چین در جنگ ملی

(اکتبر ۱۹۳۸)

رفقا ! آینده ما درخشان است . ما باید امپریالیسم ژاپن را درهم شکنیم و چین نوینی بنا کنیم و یقیناً باین هدف خواهیم رسید . معدلك بین حال و آینده درخشان راه صعب و دشواری در پیش است . حزب کمونیست چین و تمام خلق در مبارزه بخاطر بنا کردن چین تابناکی باید بر روی نقشه به پیکار علیه تجاوزکاران ژاپنی روند و فقط از طریق جنگی طولانی است که میتوانند آنها را درهم شکنند . ما در باره مسائل گوناگون این جنگ در گذشته بتفصیل سخن رانندیم . ما تجربیاتی را که از آغاز جنگ تاکنون بدست آورده‌ایم جمع‌بندی کرده‌ایم ، اوضاع کنونی را مورد ارزیابی قرار داده‌ایم ،

اثر حاضر متن گزارشی است که رفیق مائو تسه دون به ششمین پلنوم ششمین دوره کمیته مرکزی حزب تقدیم کرده است . این پلنوم که مشی بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب و در رأس آن رفیق مائو تسه دون را تأیید کرد ، پلنومی بود دارای اهمیت فراوان . رفیق مائو تسه دون در این گزارش مسئله نقش حزب کمونیست چین در جنگ ملی را مطرح کرد تا همه اعضای حزب مسئولیت بزرگ تاریخی حزب مان را بعنوان رهبر جنگ مقاومت ضد ژاپنی بروشنی درك کنند و جداً بعهده گیرند . پلنوم تصمیم

وظایف مبرمی را که در برابر تمام ملت قرار دارد ، معین کرده ، دلایل ادامه جنگ طولانی از طریق جبهه متحد ملی طویل‌المدت ضد ژاپنی و شیوه‌های آن را توضیح داده و اوضاع بین‌المللی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌ایم . بدین ترتیب آیا باز هم مسایل دیگری باقی میمانند ؟ رفقا ، يك مسئله دیگر هنوز باقی است و آن اینست که حزب کمونیست چین در جنگ ملی چه نقشی باید داشته باشد یا کمونیستها چگونه باید به نقش خود پی‌برند ، خود را تقویت کنند ، صفوف خود را فشرده سازند تا بتوانند این جنگ را نه بسراشیب شکست ، بلکه بسوی پیروزی رهبری کنند .

میهن پرستی و انترناسیونالیسم

آیا کمونیستی که انترناسیونالیست است ، میتواند در عین حال میهن پرست هم باشد ؟ ما معتقدیم که نه تنها میتواند بلکه باید هم چنین باشد . شرایط تاریخی مضمون کنکرت میهن پرستی را معین میکنند . هم "میهن پرستی" تجاوزکاران ژاپنی و هیتلر وجود دارد و هم میهن پرستی ما . کمونیستها باید قاطعانه با آن باصطلاح "میهن پرستی" تجاوزکاران ژاپنی و هیتلر مبارزه کنند . کمونیستهای ژاپن و آلمان در مقابل جنگ‌هاییکه دولت‌هایشان یا کرده‌اند ، شکست‌طلب هستند . درهم شکستن تجاوزکاران

گرفت روی مشی جبهه متحد ضد ژاپنی ایستادگی کند و در ضمن خاطر نشان ساخت که در جبهه متحد باید هم وحدت موجود باشد و هم مبارزه ، وادعا " همه چیز از طریق جبهه متحد " با اوضاع چین وفق نمیدهد ؛ بدینسان اشتباهی که در نتیجه سازشکاری در زمینه جبهه متحد بروز کرده بود ، مورد انتقاد قرار گرفت . بخشی از پایان سخن رفیق مائو تسه دون تحت عنوان « مسئله استقلال و عدم وابستگی در درون جبهه متحد » بهمین مسئله اختصاص یافت . پلنوم در عین حال تأیید کرد که اشتغال تمام حزب به

ژاپنی و هیتلر در جنگ با تمام وسایل ممکن ، در جهت منافع خلقهای ژاپن و آلمان سیر میکنند ، و هرچه شکست آنان کاملتر باشد ، بهتر است . کمونیستهای ژاپن و آلمان باید در این جهت اقدام کنند ، و آنها نیز درست همین عمل را انجام میدهند . زیرا جنگهایی که تجاوزکاران ژاپنی و هیتلر برپا کرده اند ، هم به خلقهای جهان صدمه میزند و هم به خلقهای کشورهایشان . ولی وضع چین فرق میکند ، زیرا که چین قربانی تجاوز شده است . بهمین جهت است که کمونیستهای چین باید میهن پرستی را با انترناسیونالیسم پیوند دهند . ما در عین اینکه انترناسیونالیستیم ، میهن پرست نیز هستیم . شعار ما اینست : پیکار علیه تجاوزکاران بخاطر دفاع از میهن . شکست طلبی برای ما بمعنای جنایت است ، و کوشش برای نیل به پیروزی در جنگ مقاومت ضد ژاپنی وظیفه تخطی ناپذیر ماست ، زیرا فقط از طریق پیکار بخاطر دفاع از میهن است که ما میتوانیم تجاوزکاران را مغلوب و بازادی ملی دست یابیم . و فقط در صورت نیل به آزادی ملی است که برای پرولتاریا و سایر زحمتکشان امکان کسب آزادی خود فراهم خواهد گشت . پیروزی چین و شکست امپریالیستهای مهاجم خود اینها هم به خلقهای کشورهای دیگر کمک خواهند کرد . بدین سبب در جنگهای آزادیبخش ملی میهن پرستی عملاً همان تحقق انترناسیونالیسم است . باین دلیل است که کمونیستها باید از ابتکار خود بعد اکثر استفاده نمایند ،

سازمان دهی مبارزه مسلحانه خلق علیه تجاوزکاران ژاپنی دارای اهمیت فوق العاده بزرگی است و منطقه جنگی و پشت جبهه دشمن را بعنوان میدان عمل اصلی حزب تعیین کرد و نظریات نادرست کسانی را که در پیروزی بر تجاوزکاران ژاپنی امیدشان را بارتش گومیندآن بسته و سرنوشت خلق را بدست جنپش های قانونی تحت سلطه مرتجعین گومیندآن سپرده بودند ، مورد انتقاد قرار داد . رفیق مائو سه دون در بخش دیگری از پایان سخن خود که « مسائل جنگ و استراتژی » نام دارد ، باین مسئله پرداخت .

شجاعانه و مصممانه بمیدان جنگ آزادیبخش ملی رهسپار گردند و لوله‌های تفنگ خود را بسوی تجاوزکاران ژاپنی قراول روند. باین دلیل است که بلافاصله پس از حادثه ۱۸ سپتامبر ۱۹۳۱، حزب ما دعوت بمقاومت در مقابل تجاوزکاران ژاپنی از طریق جنگ تدافعی ملی نمود و سپس پیشنهاد تشکیل جبهه متحد ملی ضد ژاپنی را مطرح ساخت و به ارتش سرخ فرمان داد تا بخشی از ارتش انقلابی ملی ضد ژاپنی تجدید سازمان یابد و بسوی جبهه رهسپار گردد، و به اعضای حزب نیز دستور داد تا درجبهه مقدم جنگ مقاومت ضد ژاپنی جای گیرند و تا آخرین قطره خون خود از میهن دفاع کنند. همه این اقدامات میهن پرستانه برحق‌اند و نه اینکه هیچ منافاتی با انترناسیونالیسم ندارند، بلکه درست تحقق انترناسیونالیسم در چین محسوب میشوند. تنها آن کسانی که از نظر سیاسی دستخوش آشفتگی فکری‌اند و با مقاصد خاصی را دنبال میکنند، باین یاوسرائی‌ها متشبث میشوند که گویا ما بخطا رفته‌ایم و بانترناسیونالیسم پشت کرده‌ایم.

کمونیستها باید در جنگ ملی نمونه باشند

بدلایل فوق‌الذکر کمونیستها باید حد اعلای ابتکار خود را در جنگ ملی بمنصبه ظهور برسانند و آنرا بطور مشخص در هر زمینه عیان سازند، بدین معنی که از هر جهت نقش خود را بعنوان پیشاهنگ و نمونه ایفا کنند. جنگ ما تحت شرایط دشواری در جریان است. توده‌های وسیع مردم هنوز باندازه کافی آگاهی ملی، غرور ملی و اعتماد به نفس ملی نیافته‌اند، اکثریت مردم متشکل نیستند، قدرت نظامی چین ضعیف است، اقتصادش عقب مانده‌است، نظام سیاسی آن دموکراتیک نیست، در کشور مظاهر فساد و

روحیه بدبینی موجود است و در درون جبهه متحد کمبود وحدت و همبستگی بچشم میخورد ، اینها همه از جمله شرایط دشواری هستند که بدان اشاره شد . بنابر این کمونیستها باید آگاهانه مسئولیت سنگین وحدت تمام خلق را بعهده گیرند تا آنکه بتمام این پدیده‌های نامطلوب خاتمه داده شود .

در اینجا نقش پیشرو و نمونه وار کمونیستها دارای اهمیت فوق‌العاده عظیمی است . کمونیستها در ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید باید در تهور به نبرد ، در اجرای دستورات ، در رعایت انضباط ، در انجام کار سیاسی و در حفظ وحدت و همبستگی درونی سرمشق و نمونه باشند . کمونیستها در مناسبات خود با احزاب و ارتشهای دوست باید در مورد وحدت بخاطر مقاومت در برابر ژاپن ، موضع استوار اتخاذ کنند ، بر روی برنامه جبهه متحد ایستادگی نمایند و بدینوسیله در اجرای وظایفی که جنگ مقاومت در مقابلشان نهاده ، سرمشق و نمونه باشند ؛ آنها باید بقول خود وفادار و مصمم به عمل باشند ، بری از تکبر باشند و بدون غل و غش با احزاب و ارتشهای دوست مشاوره و همکاری کنند و در روابط متقابل با احزاب متشکله در جبهه متحد سرمشق و نمونه باشند . کمونیستهایی که دارای مشاغل دولتی هستند ، باید نمونه درستی و صداقت ، نمونه بدور بودن از قوم و خویش‌بازی در استخدام افراد ، نمونه سخت کار کردن و کمتر مزد گرفتن باشند . هر کمونیست که در میان توده‌ها کار میکند ، باید دوست توده‌ها باشد ، نه ارباب آنها ، آموزگاری خستگی ناپذیر باشد ، نه سیاست‌بازی بوروکرات . یک کمونیست هیچگاه و تحت هیچ شرایطی نباید منافع شخصی خود را در مرتبه اول قرار دهد ؛ او باید منافع شخصی خود را تابع مصالح ملت و توده‌های مردم سازد . از اینجاست که خودخواهی ، سستی و سهل‌انگاری در کار ، انحطاط ، فخرفروشی و غیره خصایل بسیار نکوهیده خواننده میشوند ، در حالیکه

از خود گذشتگی ، فعالیت پرشور در کار ، فداکاری بخاطر رفاه عمومی و کار کوشنده و جدی مورد احترام قرار میگیرد . کمونیستها باید با همه افراد مترقی خارج از حزب در هماهنگی کامل کار کنند و در وحدت تمام خلق بخاطر زدودن هر آنچه که نامطلوب است ، همت گمارند . باید دانست که کمونیستها فقط بخش کوچکی از ملت را تشکیل میدهند و در خارج از حزب تعداد زیادی افراد مترقی و فعال وجود دارند که ما باید با آنها همکاری کنیم . کاملاً اشتباه است اگر تصور شود که این فقط ما هستیم که خوبیم ، دیگران پشیزی نمیارزند . کمونیستها نباید با افرادی که از نظر سیاسی عقب ماندهاند ، کم بها دهند و یا آنها را تحقیر کنند ، بلکه باید با آنها نزدیک شوند ، با آنها متحد گردند ، آنها را قانع سازند و به پیشروی تشجیع کنند . کمونیستها نباید از شخصیکه در کارش مرتکب خطائی شده است ، دوری جویند - مگر آنکه اصلاح ناپذیر باشد - بلکه باید او را قانع کنند تا بدین وسیله خود را از اساس اصلاح کند ، کهنه را بدور افکند و از نو آغاز نماید . کمونیستها باید هم نمونه واقع بینی باشند و هم نمونه دوراندیشی ، زیرا فقط با واقع بینی است که میتوانند وظایف محوله را بانجام برسانند ، و فقط دوراندیشی است که میتواند آنها را از گم کردن سمت حرکت بجلو باز دارد . از اینرو کمونیستها باید در آموزش نیز سرمشق باشند و همیشه هم معلم توده ها باشند و هم شاگرد آنان . تنها با آموختن از توده ها ، با آموختن از شرایط موجود ، با آموختن از احزاب و ارتشهای دوست ، با شناخت آنهاست که ما میتوانیم در کار مان واقع بین و نسبت به آینده دوراندیش باشیم . در يك جنگ طولانی و در شرایط سخت و دشوار کلیه نیروهای پرشور تمام ملت زمانی میتوانند برای مبارزه در رفع دشواریها ، پیروزی بر دشمن و ساختمان چین نوینی بسیج شوند که کمونیستها بعنوان

پیشاهنگ و نمونه در همکاری با تمام عناصر پیشرو احزاب و ارتشهای دوست و توده‌های مردم به بهترین وجهی نقش خود را ایفا کنند .

تمام ملت را متحد کنید و علیه عمال دشمن در درون صفوف ملت مبارزه نمایید

تنها و یگانه سیاست برای رفع دشواریها ، پیروزی بر دشمن و ساختمان چین نوینی عبارت از تحکیم و گسترش جبهه متحد ملی ضد ژاپنی و بسیج کلیه نیروهای پرشور تمام ملت است . لیکن اکنون در درون جبهه متحد ملی ما عمال دشمن یعنی خائنین بملت ، تروتسکیستها و عناصر طرفدار ژاپن یافت میشوند که نقش تخریب کننده‌ای ایفا میکنند . کمونیستها باید همواره مراقب این عمال دشمن باشند ، با ارائه شواهد و مدارك جنایات آنها را برملا سازند و خلق را بر حذر دارند که گول آنها را نخورد . کمونیستها باید در مقابل عمال دشمن در درون صفوف ملت هوشیاری سیاسی خود را بالا برند . کمونیستها باید درك کنند که رسوا کردن و ریشه کن ساختن عمال دشمن با توسعه و تحکیم جبهه متحد ملی پیوندی جداناپذیر دارد . کاملاً نادرست خواهد بود اگر ما فقط بیک جهت قضیه توجه کنیم و جهت دیگر آنها از دیده فروگذاریم .

صفوف حزب کمونیست را گسترش دهید و از نفوذ عمال دشمن جلوگیری کنید

بمنظور رفع دشواریها ، پیروزی بر دشمن و ساختمان چین نوینی ، حزب